الاجتهاد أشقّ من طول الجهاد

(17:28)

کسانی که کار می‌کنند مثل شیخ انصاری می‌دانند. حاج آقا باره این جمله را از شیخ انصاری می‌فرمایند. چون ایشان یک کلمه «مکث» را هم اضافه می‌کردند در حافظه ام به این صورت مانده است. حاج آقا می‌فرمودند: شیخ در رسائل فرموده: «رزقنا الله الاجتهاد الذی هو اشقّ من طول المکث فی الجهاد»[1]. حاج آقا این را زیاد می‌گفتند. در آن کلمه «مکث» را هم می‌آوردند. اتفاقا در نرم‌افزار اصول «طول الجهاد» را زدم، دیدم در کلمات علماء و در السنه این حرف شیخ بوده و در کتاب‌هایشان هم آورده‌اند؛ اما با اختلاف. مثلاً شیخ فرموده «وفقنا الله الاجتهاد»، من «رزقنا الله الاجتهاد» شنیدم. یا مثلاً نظیر اینها. «وفقنا الله» در السنه علماء سه-چهار جور نقل به معنا شده. «طول المکث فی الجهاد» را نمی‌دانم حاج آقا نسخه‌ای را دیده بودند یا نه؟ چون خود «طول» و «طَول» متفاوت است. یکی از شرح‌های رسائل، «قلائد الفرائد» است؛ حاج شیخ غلام رضا قمی. بزرگ بودند و شاگرد خود شیخ هم بودند. ایشان فرموده بودند: «بضم طاء و فتحه». یعنی «طول الجهاد» و «طَول الجهاد». هر دو هم در لغت به‌معنای «مکث» است. حاج آقا که می‌فرمودند «من طول المکث فی الجهاد» خود «طول» و «طَول» به‌معنای «مکث» است. علی ای حال اجتهاد به این صورت است. وقتی آدم کلمات این عزه را می‌بیند، می‌بیند چقدر زحمت نیاز بوده. فرمودی در بحث انسداد گفته اند.

(19:28)

حالا به مطلبی برویم که سید در تفصیل علامه می‌فرمایند. تا اینجا قول خودشان را فرمودند و قول مشهور را هم جواب دادند. حالا یک تفصیلی را نقل می‌کنند و جواب می‌دهند.

شاگرد: پس منظور این شد که عده‌ای بعد از شیخ طوسی، استدلالتشان مثل تقلید بود و از زمان شهید یک نحو به سلف تکیه نکردن شروع شد. این درست است؟

استاد: از زمان علامه شروع شد؟

شاگرد: از زمان شهید؛ نه که اجتهاد شروع شد. منظور این است که مرحوم شیخ طوسی و دیگران تعبیری به اجتهاد دارند. بعد از شیخ طوسی که به‌خاطر عظمت شیخ طوسی تحت تأثیری بودند، گویا تقلید بود و بعد از زمان شهید [اول] -اگر چه قبلش علامه و محقق شروع کرده بودند- زمینه استدلال شروع شد. نه اینکه تازه اجتهاد کنند.

استاد: بله، درست است. می‌خواستم تذکر هم بدهم که به زبان من آمد که فتح باب اجتهاد بود. بعد دیدم که این جور نبود. عبارت «ترک التقلید باالسلف» بود. نکته ی خوبی بود. فتح باب اجتهاد را برای قدیمَین قائل هستند. ابن جنید و ابن[ابی]عقیل. ولی آن چه که من از عبارت فهمیدم منظور این بود؛ من که فتح باب اجتهاد را عرض می‌کنم، اصل اجتهاد این است: کسی به تمام معنا طوری به جوانب بحث استحضار دارد که از رسوبات تقلید فارغ است. ولذا قبل از شهید اول شروع شده بود، اما اینکه کاملاً فارغ باشد و در یک فضایی که کاملاً به‌دنبال نفس الامر مطلب رفتن و بدون تأثر پذیری از جذورات قبلی باشد، نبود. منظور من این بود.

شاگرد: صاحب حدائق ادامه اش را می‌آورد: «قال شیخنا الشهید الثانی فی الدرایة: ان أکثر الفقهاء الذین نشأوا بعد الشیخ کانوا یتبعونه فی الفتوی تقلیدا له لکثرة اعتقادهم فیه و حسن ظنهم به»[2]. بعد می‌فرمایند از مرحوم سید بن طاووس به بعد؛ یعنی از زمان شهید اول، نه شخص شهید اول، اولین کسانی که بدون تقلید تحقیق کردند، مثل «سدید الدین محمود الحمصی و السید رضی الدین بن طاوس».

استاد: نکته‌ای که هست، این است: سید بن طاووس فقیه به‌معنای مفتی نبوده اند. اصلاً کتاب فقهی ندارند. ایشان در همان رشته‌های خودشان که تخصص داشتند و تصنیفات دارند، [کار کردند]. به پسرشان می‌گویند من فقه هم بلد هستم اما در معرض تصنیفات فقهی و افتاء نیامدم. نقیب علویین هم شدند اما آن نقابت حساب دیگری غیر از منصب افتاء داشت. لذا صاحب حدائق نمی‌گویند آنها آغاز گر بودند .

شاگرد: بله، می‌گویند متوجه شدند. «و ممن اطلع علی هذا الذي تبینته و تحققته من غیر تقلید...».

استاد: یعنی اینها توجه کردند که بعد از شیخ، فضا این فضا است. ابهت شیخ مانع از این می‌شود که اجتهاد تام صورت بگیرد. اطلاع پیدا کنند غیر از این است که این کار را کرده باشند و اجتهاد را اعمال کرده باشند.

شاگرد۲: من در جلسه قبل احتمالی را مطرح کردم که وقتی مرحوم علامه در ایران بودند نسخه زیدیه به دستشان رسیده باشد، در اجازه ایشان به شمس الدین آوی می‌نویسند که در چهارم جمادی سال هفتصد و ده در سلطانیه زنجان این اجازه را به ایشان داده‌ام. لذا مرحوم علامه در سال هفتصد و ده در ایران بوده‌اند. همان مدرس سیاری که سلطان خدابنده تشکیل داده بودند، در ایران بودند شانزده سال قبل از وفاتشان است. احتمال دارد که در اواخر عمرشان این نسخه به دستشان رسیده باشد.

استاد: نه آن ایامی که شاگرد خواجه بودند. خواجه که سالها قبل از هفتصد وفات کرده بودند. اینها شواهد خوبی است که جمع‌آوری شود.

---

[1] فرائد الأصول نویسنده : الشیخ مرتضی الأنصاري جلد : 1 صفحه : 493؛ «وفقنا الله للاجتهاد الذي هو أشد من طول الجهاد، بحق محمد وآله الأمجاد».

[2] الحدائق الناضرة في أحکام العترة الطاهرة نویسنده : البحراني، الشیخ یوسف جلد : ۹ صفحه : ۳۷۷

بازبینی #1
ایجاد شده 5 فوریه 2026 15:38:27 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2026 15:39:22 توسط ... .